

چپ داروینی

سیاست، تکامل، همکاری

پیتر سینگر

ترجمه

محمد مهدی هاتف



نشر کرگدن

Peter Singer

A Darwinian Left:

Politics, Evolution and Cooperation

Yale University Press, 2000

سرشناسه: سینگر، پیتر، ۱۹۴۶ - ۴

Singer, Peter, 1946-

عنوان و نام پدیدآور: چپ داروینی سیاست، تکامل، همکاران پیتر سینگر، ترجمه محمد مهدی هاتف

مشخصات نشر: تهران: نشر کرگدن، ۱۳۹۸.

مشخصات ظاهری: ۹۶ ص.

فروست: مجموعه مطالعات تکامل ۱.

شابک: 978-622-6420-56-3

وضعیت فهرست نویسی: فیا

یادداشت: عنوان اصلی: A Darwinian Left: politics, evolution, and cooperation

یادداشت: کتابنامه: ص ۸۸-۸۱.

موضوع: داروینیسم اجتماعی

موضوع: Social Darwinism

موضوع: چپ و راست (علوم سیاسی)

موضوع: Right and left (Political science)

موضوع: سوسیالیسم

موضوع: Socialism

موضوع: انسان تکامل

موضوع: Human evolution

شناسه افزوده: هاتف محمد مهدی، ۱۳۴۳ - مترجم

شناسه افزوده: Mohamadmehti Hatef

رده بندی کنگره: HMPT1

رده بندی دیویی: TT-1071

شماره کتابشناسی ملی: 0298P-7

همه حقوق برای ناشر محفوظ است.

نشر کرگدن: تهران، صندوق پستی ۱۷۱۶-۱۳۱۴۵

www.kargadanpub.com

telegram.me/kargadanpub



نشر کرگدن

مجموعه مطالعات تکامل - ۱

دبیر مجموعه: محمدرضا معمارصادقی

چاپ فاروینی: سیاست، تکامل، همکاری

نویسنده: پیتر سینگر

مترجم: محمدمهدی هاتف

ویراستار: شادی جاجرمی‌زاده

مدیر هنری: سحر ترهنده

ناظر چاپ: علی محمدپور

لیتوگرافی: نقش سپهر

چاپ و صحافی: نقش سپهر

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۲۲-۰۵۶-۳

چاپ اول: ۱۳۹۸

تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ۲۰۰۰۰ تومان

یادداشت دبیر مجموعه

یکصدوشصت سال پس از انتشار کتاب دوران‌ساز داروین، تکامل دیگر «فقط یک نظریه» در کنار نظریه‌های دیگر نیست. هیچ دانشگاهی در جهان و ایران وجود ندارد که نظریه‌ای جز تکامل را درباره منشأ و تنوع گونه‌ها تدریس کند و «نظریه‌های دیگر» عمدتاً محدود به محافل غیردانشگاهی و غیرعلمی و در دانشگاه‌ها نیز محدود به غیرزیست‌شناسان مانده است.

یکصدوشصت سال پس از انتشار کتاب دوران‌ساز داروین، اکنون بحث نه بر سر نظریه تکامل بلکه بر سر انقلاب داروینی است که پس از انقلاب کوپرنیکی بزرگترین دستاورد بشر در تعیین جایگاه او در نظام کائنات است. همان‌طور که انقلاب کوپرنیکی باعث ابطال نظریه مرکزیت فیزیکی ما در کیهان شد، انقلاب داروینی هم مشغول ابطال نظریه مرکزیت زیستی ما در مجموعه موجودات زنده است.

این انقلاب حتی در غرب نیز هنوز در جریان است و هضم نتایج آن به چند سده وقت نیاز دارد. مهم‌ترین این نتایج، اول قبول «غیرضروری بودن» (contingency) وجودمان و دوم قبول «پیوستگی» (continuity) آن با دیگر موجودات زنده است. غیرضروری بودن یعنی اینکه وجود ما نتیجه اتفاقات تکاملی است و اگر زمان به عقب بازمی‌گشت و تکامل دوباره اتفاق می‌افتاد، هیچ معلوم نبود ما نیز دوباره از جمله محصولات آن باشیم. پیوستگی نیز یعنی تفاوت ما با موجودات زنده دیگر تفاوتی ماهوی و کیفی نیست. ما تنها کمی از موجودات زنده دیگر پیچیده‌تریم.

اینها اما نتایجی نیستند که همه با آن موافق باشند یا بتوانند به‌آسانی هضم کنند. حتی سازگار کردن باورهای دینی با این نتایج نیازمند شناخت نظریه تکامل و انقلاب داروینی حاصل از آن است.

استزادات نظریه تکامل سال‌هاست که دیگر محدود به زیست‌شناسی

تکاملی نمانده و اکنون مباحثی مانند بیوشیمی تکاملی، باستان‌شناسی تکاملی، علوم سیاسی تکاملی، روان‌شناسی تکاملی، جامعه‌شناسی تکاملی، پزشکی تکاملی، فلسفه تکاملی، انسان‌شناسی تکاملی، زیبایی‌شناسی تکاملی، اقتصاد تکاملی، دین‌شناسی تکاملی، اسطوره‌شناسی عصبی-تکاملی، زبان‌شناسی تکاملی، آواشناسی تکاملی و موسیقی‌شناسی تکاملی تنها بخشی از نتایج ورود تکامل به عرصه‌های شناخت بشری است. اگر ما، مثل همه جانداران، محصول فرایند تکامل (تکامل زیستی و تکامل فرهنگی) باشیم، هر چیز مربوط به ما نیز محصول فرایند تکامل است و باید اول از این منظر به آن نگرسته شود. تکامل حتی محدود به عرصه شناخت نیز نمانده و در عرصه‌های فناوری و خلاقیت نیز الهام‌بخش بوده است؛ برنامه‌نویسی تکاملی، رایانش تکاملی، روباتیک تکاملی، هنر تکاملی (به‌ویژه موسیقی تکاملی) و نقد ادبی داروینی نمونه‌هایی از این دست‌اند.

مجموعه «مطالعات تکامل» بر آن است با فراهم آوردن متون کلاسیک و غیرکلاسیک در همه مباحث تکاملی، گامی کوچک در راه شناخت انقلاب داروینی و نتایج و استلزامات آن برآورد و کمک کند ما نسبت خود را با این انقلاب علمی هرچه روشن‌تر کنیم. بررسی و پژوهش در تاریخ نظریه تکامل و تاریخ مواجهه ما با این نظریه و نیز احیای میراث فرهنگی و علمی ما در این زمینه گام کوچک دیگری است در این راستا که در مجموعه «مطالعات تکامل» به آن خواهیم پرداخت.

نظریه تکامل نه حرف آخر است و نه حقیقت محض. نظریه تکامل موفق‌ترین نظریه در تبیین چگونگی پیدایش جانداران و ما است که تاکنون ارائه و از سوی جامعه علمی پذیرفته شده است و همین کافی است مجموعه‌ای را در نشر کرگدن به آن اختصاص دهیم.

فهرست

۱	-----	مقدمه مترجم
۷	-----	مقدمه
۱۷	-----	فصل ۱. سیاست و داروینیسیم
	-----	فصل ۲. آیا چپ‌ها می‌توانند دیدگاه داروینی را درباره سرشت
۴۱	-----	انسان بپذیرند؟
۵۵	-----	فصل ۳. رقابت یا همکاری؟
۶۷	-----	فصل ۴. از همکاری به ابزار
۷۵	-----	فصل ۵. چپ داروینی برای امروز و فردا
۸۱	-----	یادداشت‌ها و منابع

مقدمه مترجم

«من یک سوسیالیستم، زیرا عقیده دارم والترین قانون بشریت عدالت است». این جمله‌ای است از زندگی‌نامه خودنوشت آلفرد والاس^۱، دانشمند انگلیسی که هم‌زمان با داروین و مستقل از او به نظریه انتخاب طبیعی دست یافت. والاس، برخلاف داروین که علاقه‌ای به دنبال کردن دلالت‌های سیاسی یا مذهبی نظریه‌اش نداشت، بدش نمی‌آمد نظریه انتخاب طبیعی را با سوسیالیسم و معنویت‌گرایی محبوبش پیوندزند. اما در نهایت، سکه انتخاب طبیعی به نام داروین خورد و همین امر تا اندازه‌ای سرنوشت سیاسی این نظریه را رقم زد. نظریه داروین متولد نشده توسط جناح راست صادره شد. گویی بتانسیل نهفته در ایده‌های تنازع برای بقا و بقای شایسته‌ترین^۲ را هیچ‌کس بهتر از دست‌راستی‌ها نمی‌توانست آزاد کند.

1. Alfred Russel Wallace

2. survival of the fittest، شایسته‌ترین از نظر تکاملی، یعنی افرادی که بیشترین شانس را برای بقا و تولیدمثل دارند.

ایده‌هایی که به تعبیر توماس هاگسلی^۱ «کار یک اسلحه واقعی و بی‌نقص را در زرادخانه لیبرالیسم به انجام می‌رساند».

با این حال، این سرنوشت تنها سرنوشت ممکن برای این نظریه نبود و در عمل هم آینده داروینیسم در پیوند با سرمایه‌داری خلاصه نشد. همچنان‌که از نامهٔ ۱۸۶۲ مارکس به فردینان لاسال^۲ برمی‌آید، اشتیاق او به منشأ انواع^۳ اگر از جبههٔ مقابل بیشتر نبوده باشد کمتر هم نبود. او عقیده داشت «کتاب داروین اهمیت بسیار دارد و جنبه‌ی طبیعی-علمی برای نبرد طبقاتی در تاریخ فراهم می‌کند. این تعبیر البته عجیب نخواهد بود اگر ارادت مارکس را به علوم تجربی به یاد آوریم، وقتی او در کتاب سرمایه^۴ کار خود را با فیزیک قیاس کرد، و گفت هدفش از این کتاب کشف قوانین حرکت اقتصاد سرمایه‌داری با الگوی قوانین مکانیک سماوی بوده است. مارکس در دو پاورقی از ویرایش دوم جلد نخست سرمایه از داروین نام برد. در سال ۱۸۷۳، یعنی شش سال پس از چاپ جلد نخست سرمایه، نسخه‌ای از متن آلمانی آن را همراه نامه‌ای برای داروین فرستاد. از نامهٔ مارکس اثری به جا نمانده، اما پاسخ داروین که با فاصلهٔ چند ماه نوشته شده باقی است. او پس از تقدیر و تشکر، ناآشنایی‌اش را با «موضوع عمیق و مهم اقتصاد سیاسی» دلیل نخواندن کتاب مارکس عنوان کرد. اگر چه این را هم نوشت که «من باور دارم هر دو ما دلستهٔ گسترش دانش‌ایم و این اثر نیز در طول زمان بی‌تدرید بر خوشبختی بشریت خواهد افزود». هفت سال بعد، مارکس دوباره با داروین نامه‌نگاری کرد، که این بار هم تنها نامهٔ داروین شانس بقا

1. Thomas Henry Huxley

2. Ferdinand Lassalle

3. The Origin of Species (1859)

4. Das Kapital (1867)

یافته است. از مفاد این نامه برمی‌آید مارکس قصد داشته یکی از آثارش - شاید ترجمه انگلیسی جلد نخست سرمایه - را به داروین تقدیم کند که با مخالفت اکید او روبه‌رو می‌شود. از نظر داروین، تقدیم اثر به معنای تصدیق آن توسط داروین بود، حال آنکه او سررشته‌ای از این مباحث نداشت. ضمن اینکه از مشی مارکس مبنی بر مخالفت عریان با مسیحیت نیز دوری می‌جست، هرچه دلیل مقاومت‌هایی که در برابر نظریات علمی او ایجاد می‌کرد. هم به‌خاطر مراعات حال برخی اعضای خانواده، یعنی همسرش، مراودات میان این دو چهره تاریخ‌ساز همین‌جا تمام می‌شود، اما حیات سیاسی این دو نظریه با تمام فرازونشیب‌های تازه آغاز شده بود، حیاتی که البته مطابق میل هیچ‌یک از آن دو پیش نرفت. در یک سو، داروینیسم اجتماعی، با تلاش‌های هربرت اسپنسر^۱، حامی مشهور داروین، و فرانسیس گالتون^۲، به‌سرعت ناتی داروین، به‌سرعت از دل داروینیسم سربرآورد. تقابل میان داروینیسم و مسیحیت نیز به‌مرور بالا گرفت و عرصه را بر این نظریه تنگ کرد. در دیگر سو، مارکسیسم نیز به‌تدریج از علوم تجربی فاصله گرفت و هرچه بیشتر رنگ‌وبوی یک ایدئولوژی سیاسی گرفت.

اما از ابتدای قرن بیستم به‌ویژه دانشمندان روسی بسیار تلاش کردند با فاصله انداختن میان داروین و مالتوس^۳ بین داروینیسم و سوسیالیسم آشنی برقرار کنند. پیتر کروپوتکین^۴ شاید نامدارترین

1. Herbert Spencer

2. Francis Galton

3. Thomas Robert Malthus (1766-1824)، متفکر انگلیسی که نظریه رشد جمعیت او تأثیر زیادی بر صورت‌بندی داروین از ایده تنازع برای بقا داشت.

4. Peter Kropotkin

چهره میان آنها باشد. کسی که کوشید با ایجاد تعدیلاتی در نظریه انتخاب طبیعی، تصویری رقابتی از سرشت انسانی را با تصویری همکارانه جایگزین کند. بدین منظور، او نمونه‌هایی فراوان از رفتارهای جمعی و همکارانه از گونه‌های مختلف جانوری گرد آورد تا نشان دهد طبیعت بیش از آنکه ستیزه‌جویی و خودخواهی را در جانداران تعبیه کرده باشد، تخم همکاری و جمع‌گرایی را کاشته است. هرچند این دیدگاه عموماً دیدگاهی حاشیه‌ای تلقی شده، تا به امروز به حیات خود ادامه داده است و اکنون می‌توان گفت در سایه شواهد متعددی که ایثارگری^۱ پیدا کرده، نادیده گرفتن این دیدگاه مغایر با صداقت علمی است.

کتاب حاضر متنی است برخاسته از دل این سنت. پیتز سینگر، فیلسوف اخلاق استرالیایی و نظریه‌پرداز برجسته اخلاق زیستی^۲، می‌کوشد بر پایه شواهدی که به‌ویژه از نظریه بازی‌ها وام گرفته، نشان دهد تفسیر دست‌راستی از سرشت انسانی بر پایه نظریه تکامل^۳ تفسیری ناصواب است، و باید با تفسیری همکارانه که نفع فرد را در گرو نفع همگان می‌بیند جایگزین شود. به‌طور خلاصه، سینگر در پی آشتی دادن داروینیسم با سوسیالیسم است. برای دستیابی به این مقصد او نخست دو وصلت نامیمون تاریخی را هدف قرار می‌دهد. وصلت نخست، چنان‌که گفته شد، میان داروینیسم و سرمایه‌داری است. سینگر می‌کوشد سردستی نشان دهد این دو تلازمی با هم ندارند و بنابراین، باز کردن این گره تاریخی دشوار نیست. وصلت دوم نیز میان سوسیالیسم و

1. altruism

2. bioethics

مارکسیسم برقرار است. سینگر در عین اینکه همدلی چندانی با مارکسیسم نشان نمی‌دهد، عمیقاً دلبسته سوسیالیسم است. با باز کردن این دو گره او می‌کوشد دو عنصر آزادشده، یعنی داروینیسیم و سوسیالیسم، را با هم پیوند زند. اما این پیوند تازه تنها در صورتی ممکن می‌شود که حکم و اصلاحاتی در هر دو نظریه اعمال شود؛ نخست، سوسیالیسم باید تصورات خام و نادرستش را از سرشت انسانی کنار بگذارد و آنها را با تصویری علمی که زیست‌شناسی به دست می‌دهد جایگزین کند. برای مثال، در سوسیالیسم تکاملی از فرد انتظار نمی‌رود خود را فدای خلق کند. انتظار این است که در هم‌تنیدگی منافع فردی‌اش را با منافع جمعی ملاحظه کند و بر پایه نفع همگان تصمیم بگیرد. این جایگزینی تجدیدنظری اساسی را در سیاست و اقتصاد چپ به همراه دارد. دوم اینکه تصویر تأییدشده سینگر از سرشت زیستی انسان نیز با تلقی مشهور در زیست‌شناسی تفاوت‌هایی دارد. در این تصویر بدیل، انسان به ذات خود نه ستیزه‌جو که اهل همکاری است و به نسخه‌ای از یک فایده‌گرایی جمع‌گرایانه پایبند است. امید سینگر این است که پیوند داروینیسیم و سوسیالیسم امکان بازتعریف خط‌مشی‌های تثبیت‌شده در عرصه‌های اجتماعی و اقتصادی را فراهم کند؛ بازتعریفی در جهت نوعی آرمان سوسیالیستی واقع‌بینانه.

از راهله فتوحی ممنون‌ام که از سر لطف متن ترجمه را خواند و آن را صیقل داد. نیز سیاست ویژه دارم از محمدرضا معمار صادقی که با وسواس تحسین‌برانگیزش متن را مقابله کرد و پیشنهادهایی شایسته داد، هر چند که در نهایت دستم را در اعمال همه آنها باز گذاشت.